

نقش زن در مدیریت خانواده

یوسف زینی وند^۱

چکیده

خانواده نظام اجتماعی پویایی است که با پیوند زن و مرد تشکیل می‌شود. نهاد خانواده به عنوان اولین گروهی است که فرد در آن عضویت می‌یابد و طی فرایند اجتماعی شدن، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در او درونی می‌شود. بشر از آغاز، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع برگزیده و در همه اعصار و مکان‌ها بدان پایبند بوده تا از استرس‌های محیطی بدور، و از نعمت انس و مودت بهره‌مند شوند. لذا اعمال مدیریت یک اصل منطقی و پذیرفته شده در همه مجموعه‌های کوچک و بزرگ است و در ضرورت آن تردیدی وجود ندارد. پس ضرورت مدیریت در خانواده هم جزئی از ضرورت مدیریت در هر مجموعه هدفدار می‌باشد که باید اعضای خانواده بدان پایبند باشند تا در سلوک و پیشرفت مادی و معنوی موفق‌تر گردند. بنابراین زنان در مدیریت و برنامه‌ریزی الگوهای مصرفی در خانواده نقش اصلی را دارند و در جوامع سنتی این نقش در مسیر قناعت در خانواده پررنگ‌تر است. در نتیجه رابطه‌ی متقابل بین جامعه و خانواده، ویژگی‌ها و آسیب‌های آنها از هم تأثیر می‌پذیرد، بنابراین نهاد خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است و مناسبات درون خانواده و نقش افراد نیز جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

کلمات کلیدی: زن، مدیریت خانواده، جامعه، دموکراتیک، زندگی

^۱ - کارشناس ارشد مطالعات زنان از دانشگاه تهران b2005z@yahoo.com

مقدمه

اسلام، سرپرستی خانواده را برعهده مرد گذاشته و او را در عرصه خانوادگی قوام و حاکم قرار داده است و در عین حال توانایی‌های زن را نادیده نگرفته و مسئولیت مدیریت داخلی کانون خانواده را به او سپرده است. شوهرداری، خانه داری و نقش مادری سه وظیفه اصلی و خطیر زن در خانواده است که بدون برخورداری از تدبیر و مدیریت از عهده آنها بر نخواهد آمد. تغییر در نهاد خانواده و شکل تازه ای از روابط و نقش اعضا، به خصوص به تغییر نقش زنان پی می بریم. مطالعه و ارزیابی تغییر نقش زنان در خانواده و توجه به عوامل موثر بر این تغییرات و آسیب های ناشی از آن و در نهایت اتخاذ رویکردی دموکراتیک و منطبق با شرایط روز و در جهت توسعه، می تواند در بهبود شرایط نامساعد خانواده موثر باشد و خود زنان در راستای بهبود شرایط خانواده عامل مهمی هستند. بنابراین مدیریت شایسته زن و شوهر در خانواده است که از آنها الگو و اسوه می سازد و این مدیریت بر جامعه نیز اثری سازنده می گذارد. در مقابل، سوء مدیریت هر کدام از زن و شوهر در این عرصه آثار نامطلوبی از خود بر جای می گذارد و گاه به فروپاشی خانواده می انجامد.

مدیریت در خانواده

سرپرستی و ریاست مرد در خانواده، هیچ گاه نباید به معنای زورگویی و استبدادگری مرد تلقی شود، چرا که مرد اجازه ندارد از این موقعیت سوء استفاده کرده و به ستم و قساوت روی آورد، بلکه سرپرستی مرد به منظور حمایت از سازمان خانواده و حفظ نظم و انضباط منزل است، و این به معنای نادیده گرفتن مقام زن در خانواده و جامعه انسانی و افعال حقوق او نیست، بلکه مسئولیتی است در درون نظام خانواده و اداره زندگی مشترک و پاسداری از آن است که هیچ گاه وجود سرپرست و مسئول در نهادی، نادیده انگاشتن و کنار گذاردن کسی دیگر و شخصیت دیگر یا چشم پوشی از حقوق بقیه افراد و دست اندرکاران آن نهاد و مؤسسه به حساب نمی آید (مطهری، ۱۳۶۹). از همین رو است در اسلام ریاست داخلی خانه و خانه داری به عهده زن گذاشته شده است، در این خصوص پیامبر (ص) فرمودند: «کل نفس من بنی آدم سید، فالرجل سید اهله و المرأه سید بیتها». «هر فردی از افراد بنی آدم ریس است، مرد در امر خانواده، و زن در امور خانه و خانه داری ریاست دارد». بر همین اساس است که فاطمه (س)، (الگوی شایسته ای همه بانوان جهان)، از واگذاری پیامبر (ص) در کارهای داخل خانه به ایشان و کارهای بیرون منزل را به علی (ع)، به اندازه ای مسرور شد که فرمود: «کسی جز خدا نمی داند که چقدر خوشنود شدم از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله مسئولیت مردان را بر دوش من نهاد» (زمان آبادی، ۱۳۴۲). بنابراین زن و مرد، هم در جامعه و هم در فضای خانه و مناسبات خانوادگی، دو وجود مکمل یکدیگرند و نه دو قطب مخالفی که وجود هر یک، عرصه را بر دیگری تنگ می کند و به ناگزیر یکی باید حذف شود و یا تسلیم دیگری باشد (مرتضوی، ۱۳۷۷) به همین لحاظ اندیشمندان اسلامی مدیریت مردان را هم از نظر کمی و هم به لحاظ کیفی محدود می دانند: «قیمومیت مربوط به زن و شوهر است نه زن مقابل مرد. اگر زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو صنف مطرح باشد، هرگز مرد قوام و قیّم زن نیست و زن هم در تحت قیومیت مرد نیست، بلکه

قیومیت مربوط به موردی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد» (آملی، ۱۳۸۳) گرچه به نظر برخی بزرگان این مدیریت مردان مختص به خانواده نیست بلکه در جامعه انسانی نیز به همان دلیل تفاوت ظرفیت ها و نقش ها، چنین است (طباطبایی، ذیل آیه ۳۴ سوره نساء). پس اولاً، آنچه مورد اتفاق است سرپرستی و مدیریت مردان در چارچوب خانواده است، و ثانیاً، قیومیت در ادبیات قرآن معنای مصطلح فقهی را نمی دهد. قیوم در اصطلاح فقهی به کسی گفته می شود که حق تصرف در مال دیگر و توجیه زندگی او را در اختیار داشته باشد مانند قیوم صغیر، دیوانه، سفیه و... مسلم است که مرد به هیچ وجه قیومیتی بر زن ندارد، زیرا زن در تمام شئون اقتصادی، اخلاقی، مذهبی و اجتماعی از آزادی و اختیار کامل برخوردار است (جعفری، ۱۳۷۱). بر این اساس مرد حق ندارد به رفتار اقتصادی و اجتماعی همسرش در صورتی که مانع از وظایف همسر او نیست، محدودیت ایجاد کند. «معنای قیومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او، و دفاع از منافعش را سلب کند، بلکه زن می تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و برای رسیدن به هدف هایش مقدماتی که او را به مطلوبش می رساند متوسل شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷). از این رو مرد به عنوان مدیر خانواده حق ندارد بر زن اعمال سلطه نماید، بلکه زن و مرد هر یک، نیمه یک پیکره اند، و تنها در سایه همکاری مشترک و تقسیم عادلانه و حکیمانه مسئولیت ها و ایفای نقش تکمیلی نسبت به یکدیگر است که این پیکره جان گرفته، پویا و بالنده می شود.

نقش ریاست مرد بر خانواده

اصل منطقی در تعیین مدیر، انتخاب فرد اصلح در مسئولیت می باشد. در هر جامعه ای باید توانمندترین و عالم ترین آنان مسئولیت اداره جمع را به عهده بگیرد. با وجود فرد اصلح، انتخاب دیگری بدین مسئولیت درست نمی باشد. قرآن در یک اصل می فرماید: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر (توبه، آیه ۷)». مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستار یکدیگرند و خلق را به کار نیکو امر و از کار زشت منع می کنند. این آیه بیانگر روابط اجتماعی افراد مؤمن می باشد که زن و مرد مؤمن نسبت به یکدیگر وظیفه و تعهد دارند و باید همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند و بی اعتنایی را کنار بگذارند. در این آیه مردان ولی زنان یا بالعکس شمرده نشده بلکه تعهد و مسئولیت متقابل برای همه افراد مؤمن (زن و مرد) تعیین شده است اما در خانواده با اینکه این رابطه ولایی بین زن و مرد به عنوان دو مؤمن وجود دارد و هر کدام از آنان در برابر دیگری وظیفه و مسئولیت دارد، با این وجود تعیین یک مدیر و سرپرست و اداره کننده از بین آن دو لازم است. قرآن و اسلام مرد را برای این مسئولیت معین کرده اند: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم» (نساء، آیه ۳۴). مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است بواسطه آن برتری که خدا بعضی را به بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید به زن نفقه بدهند» در آیه بالا برای سرپرست قرار دادن مردان دو دلیل ذکر شده است: اول مردان از جهت تدبیر اقتصادی و اجتماعی برای خانواده، نیز قدرت دفاع و برنامه ریزی، اغلب بر زنان برتری دارند. البته این برتری دلیل فضیلت ذاتی نیست، زیرا ذات زن و مرد در انسانیت شریک است و در جهت تقرب به خدا هم آنچه ملاک می باشد، تقوا و بندگی است که بسته به عمل، عقیده و

اخلاق افراد است و جنسیت در آن دخیل نیست، گرچه زنان هم در جهاتی دیگر بر مردان برتری دارند، از این رو در آیه فوق نفرمود: به خاطر آنکه مردان بر زنان برتری دارند، بلکه فرمود: «بعضی بر برخی دیگر برتری دارند» و این بیان توانمندی‌هایی است که گاه در مرد بیشتر است و برخی وقت‌ها در زن، که تفاضل (برتری) متقابل می‌باشد، نه فاضل و مفضولی مطلق. دوم جهت دومی که آیه برای تعیین مرد در سمت مدیریت بیان کرده، تعهدات مالی وی نسبت به همسرش می‌باشد. چون مرد وظیفه تأمین هزینه زندگی را دارد، تدبیر کلی امر خانواده به او سپرده شده است. شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «ازدواج یک شرکت سهامی است که مرد در آن بیشتر سرمایه‌گذاری کرده است (و در شرکت سهامی اگر کسی سهم بیشتر دارد، مدیریت با اوست). درست است که زن و مرد هر دو در سرمایه‌گذاری جسمی و روحی به طور متساوی سهیم هستند، ولی مرد از نظر مالی هم سرمایه‌گذاری کرده است، بعلاوه مرد از نظر ویژگی‌های جسمی برای مدیریت مناسب‌تر است و با فطرت و طبیعت او سازگارتر است.» (مجله زن روز، ۱۳۶۶). همچنین مدیریت با مشغولیت ذهنی، خستگی روحی و رفتاری اجتماعی همراه است، چنان که تلاش فراوان می‌طلبد و سبب فرسودگی زودرس می‌گردد. در نظام خانوادگی اسلام، مصلحت زن و مرد بر این است که بانوان تا حد ممکن از چنین صحنه‌هایی دور باشند تا بتوانند آسوده خاطر وظایف همسری و مادری را به خوبی ادا کنند و سرزندگی، شادابی و بالندگی کانون خانواده حفظ گردد. روحیات طبیعی زن و مرد هم اقتضای همین حکم را دارد، زیرا روحیات آن دو را این گونه توصیف کرده‌اند: زنان دارای لطافت جسمی، حس انقیاد و تسلیم و علاقه بیشتر به خانه هستند (مهریزی، ۱۳۹۰).

آرامش در خانواده

سکون و آرامش همسران در کنار یکدیگر، یکی از اهداف مهم ازدواج است. وجود صفا، یک رنگی و صمیمیت در خانواده، علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی‌ترین هدف بوده و نشانه آن است که زن و مرد هر دو به وظایف خود در برابر همسر، عمل می‌کنند. در این میان، با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان، نقش آنان در تأمین بهداشت روانی خانواده چشمگیرتر است. زن می‌تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا سنگ صبور ناراحتی‌ها و آلام او باشد (وسایل الشیعه). هم چنان که می‌تواند در تضعیف روحیه همسرش نقش مؤثری داشته باشد و حداقل او را از خود رنجانده و آزرده خاطر سازد و موجبات سستی نظام خانواده را فراهم کند. هنگامی که پارسایی و خلوص ایوب پیامبر (ع) بر شیطان، گران آمد، از خداوند درخواست کرد که به او اجازه دهد ایوب را بیازماید. خداوند اجازه داد و از سه سو باران بلا بر سر ایوب بارید. اول مال، سپس خانواده و در آخر، تنش در معرض بلا افتاد. ابلیس هم چنان در ادامه آزار دادن ایوب، این بار به کمک عفریت‌های تحت فرمانش، کوشید تا تعداد بسیار کم وفاداران به ایوب را نیز وسوسه کند تا دست از پشتیبانی او بردارند. همسر ایوب نیز که در همه این صحنه‌ها همراه و پشتیبان او بود، در برابر این وسوسه شیطان که گفت: «اگر خدا ایوب را دوست می‌داشت، او را به این مصایب مبتلا نمی‌ساخت»، نتوانست مقاومت کند و به جای دلداری دادن به همسر، القانات ابلیس را به او منتقل کرد. ایوب که از این سخنان ملال آور و پذیرش وسوسه‌های شیطان، بیش از آن بلاها ناراحت شده بود، قسم یاد کرد که اگر خداوند او را شفا داد، همسرش را با ضرباتی تأدیبه نماید (خرم دل، ۱۳۹۰).

قرآن کریم عمل زشت افشای اسرار رسول خدا را تا آن جا ناپسند دانست که در سوره تحریم، آیه ۱۰ ذیل با اشاره به داستان خیانت همسران نوح و لوط به این بندگان شایسته الهی، رفتار ناپسند همسران پیامبر را با خیانت آن زنان مقایسه کرد و با تعریض به آنان فهماند که ارتباط با رسول خدا مانع عذاب خدا نخواهد شد.

«صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِن عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (خداوند برای کافران زن نوح و زن لوط را مثال آورد که تحت فرمان دو بنده صالح ما بودند و با آنها نفاق و خیانت کردند و آن دو شخص با وجود مقام نبوت نتوانستند آنان را از قهر خدا برهانند و حکم شد آن دو زن را با دوزخیان با آتش درافکنید).

نقش زنان و تغییرات در خانواده

قبل از صنعتی شدن، خانواده یک واحد تولیدی با مهارت و بازدهی ناچیز بود، از این رو برای تولید مجبور به استفاده از نیروی کار خانوادگی می شد. به استثناء خانواده ی اشراف و خانواده ی بورژوازی که زن ها و مرد های آن ها هیچ فعالیت تولیدی نداشتند، در تمام خانواده های دوره های قبل، زن و مرد مشغول کار بودند و حتی بر حسب ناحیه ی جغرافیایی، گاه فعالیت شغلی زن ها مهم تر و مشکل تر از مرد ها بود. در واحد تولیدی خانواده بعضی فعالیت ها زنانه و برخی دیگر مردانه تلقی می شد ولی کار هیچ یک از افراد قابل سنجش با پول نبود. در نتیجه فعالیت کلیه ی افراد خانواده در جهت رفاه عمومی خانواده انجام می شد. در انتخاب الگو های ازدواج نیز معمولاً عشق یا محبت نقش تعیین کننده نداشت و به جای آن، منافع اجتماعی و اقتصادی مربوط به تداوم نقش اقتصادی خانواده و نگهداری و مراقبت از وابستگان، اهمیت اساسی داشت. گروه خانوادگی معمولاً یک واحد تولید یکپارچه بود و همه ی اعضاء خانواده در فرایند تولید همکاری می کردند. اگر چه زنان مسئولیت اصلی پرورش کودک را عهده دار بودند، نقش اقتصادی مهمی نیز در خانواده داشتند (اعزازی، ۱۳۸۰). از حدود قرن هفدهم در اروپا و کمی دیرتر در آمریکا که کشاورزی تجاری در واحدهای تولیدی بزرگ توسعه یافت، خانواده های کشاورز کوچک از زمین های خود جابه جا شدند و این فرایند جابه جایی با صنعتی شدن، شتاب بیشتری یافت و تولید کالاها و خدمات در کارگاه ها، کارخانه ها و اداره ها انجام گرفت. یعنی خانواده دیگر یک واحد تولیدی نبود و محل کار از خانه جدا شد (گیدنز، ۱۳۸۲). در پی این تغییرات، نقش زنان، مردان و کودکان نیز تغییر کرد و از نخستین سال های صنعتی شدن بسیاری از زنان علاوه بر مراقبت از کودکان در خانه، برای کار به بیرون از خانه می رفتند و نیروی کار آن ها با پول مبادله می شد. در نتیجه کار هر فرد قابل سنجش با پول بود و زنان نیز شخصاً دستمزد خود را دریافت می کردند و غیبت در محل کار سبب کاهش دستمزد می شد. بنابراین زنان نیمی از روز در محل کار و بقیه ی اوقات در خانه بودند. همچنین به گفته ی آنتونی گیدنز بنای تشکیل خانواده و پیوند بین افراد بر اساس ارتباطات عاطفی بود، نه به دلایل اقتصادی. تصمیم بچه دار شدن نیز با توجه به هزینه های زیاد و صرف وقت، بیشتر تصمیمی عاطفی بود. برخلاف دوران قبل که این تصمیم یک تصمیم اقتصادی و دارای منفعت اقتصادی بود. اشتغال زنان در دوران جدید موجب استقلال یافتن آنان شد به طوری که هویت شان بیشتر توسط خودشان تعریف می شد نه چارچوب های سنتی نقش مادر- همسر و در پی آن، عده ای نیز بالا رفتن نرخ

طلاق را ناشی از همین تغییر در نقش زنان می دانند. علاوه بر این تغییرات، تغییرات قانونی، باعث دگرگونی اساسی در وضع زنان شد و آن ها به تدریج در حیطه های گوناگون دارای حقوق مشابه مردان شدند، امکان آموزش، ورود به دانشگاه و اشتغال در مشاغلی که قبلاً خاص مردان بود و حق رأی را بدست آوردند و در امور سیاسی حق شرکت یافتند. می توان گفت از عوامل موثر در اکثر این تغییرات، بالا رفتن آگاهی زنان، فعالیت آنان برای خود و شکل گیری و حرکت جنبش های زنان است که سعی در از میان بردن تقسیم نقش سنتی در خانواده و کسب حقوق برابر زن و مرد را داشت و باعث این دگرگونی ساختاری شد (ناصر، ۱۳۸۷).

خانواده و اسلام

هیچ بنایی محبوب تر از خانواده در پیشگاه خداوند متعال نمی توان یافت. تشکیل چنین بنایی، یک نیازی اجتماعی است و شرع مقدس اسلام بر آن تاکید فراوان دارد. قرآن کریم، مسلمانان را به ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب می کند. روایات بسیاری در ارزش و اهمیت بنای مقدس خانواده از اهل بیت (ع) نقل شده است. خرد انسانی نیز آن را امری پسندیده دانسته و بر آن تشویق می کند.

در آیه ۳۲ سوره نور از قرآن کریم می خوانیم:

وَآتَكَحُوا الْأَيَّامِ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ، إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

"به مردان و زنان بی همسر، همسر دهید و همچنین به غلامان و کنیزان صالح، همسر دهید، فکر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آنان را از فضل خود، بی نیاز می سازد، خداوند وسعت دهنده و آگاه است."

در این آیه، همه مردم مورد خطاب خدا قرار گرفته اند، تا با تعاون و وساطت و کمک های مالی و فراهم نمودن اسباب کار بی همسران را دارای همسر کنند. در امر مقدس و پر اهمیت ازدواج که یک امر ضروری برای حفظ عفت جامعه است، بی تفاوت نباشند. موضوع اقدام و فراهم نمودن اسباب کار، برای تحقق ازدواج به قدری در اسلام مهم است که پیامبر اسلام (ص) فرمود: "کسی که برای تحقق ازدواج بین مومنین و مومنات، وساطت و اقدام کند، خداوند علاوه بر پادشاهی بسیار عظیمی که می دهد و به او لطف می کند باز می فرماید:

وَكَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَاها أَوْ بِكُلِّ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِها فِي ذَلِكَ عَمَلٌ سَنَّهُ قِيامُ لَيْلِها وَ صِيامُ نَهارِها.

"هرگامی که انسان بر دارد و هر کلمه ای که در این راستا می گوید، ثواب یکسال عبادت را که شبهای آن با قیام و عبادت به سر آید و روزهای آن روزه بگیرد، در نامه عمل او می نویسند"

ازدواج در منظر اسلام، پیمانی است مقدس همچنین در فقه اسلامی ازدواج را مستحب موکد می دانند. مقدس بودن ازدواج و کانون خانواده را از چند جهت می توان توضیح داد: اول، ازدواج حصار خودی را درهم می شکنند و با این پیمان، دوگل به هم می پیوندند و روحی واحد را تشکیل می دهند و از تنها بودن خارج می گردند. دوم، ازدواج

از افتادن به گناه و معصیت جلوگیری می کند و موجبات طهارت و تعالی روح را فراهم می سازد. سوم، ازدواج، تنها مرجع تربیت نسل آینده است و هیچ چیزی نمی تواند جایگزین آن شود.

زنان و اقتصاد

اقتصاد مقوله ای است که از کوچک ترین گروه اجتماعی که همان خانواده است آغاز می شود و تا سطح جهانی و بین المللی ادامه دارد. از همین رو زن به عنوان رکن اصلی خانواده می تواند از مهم ترین مسائل مورد بررسی در تحقق حماسه ی اقتصادی در کشور ما باشد. زنان در محیط خانواده و جامعه دارای سطوح مختلف هویتی هستند از جمله سطح فردی، اجتماعی و جهانی که در هر یک از این ابعاد به ایفای نقش اقتصادی در جهت استیلای شعار انقلاب اسلامی و بهبود شرایط اقتصاد خانواده می پردازند. در فضای امروز ما با یک دو قطبی بزرگ در نقش زنان جامعه مواجه هستیم. از یک طرف الگوی توحیدی و اسلامی است که زن را به سمت خانواده ی سالم در گرو اقتصاد و نیروی انسانی سالم هدایت می کند و از طرف دیگر فرهنگ برآمده از فضای مدرنیته است که با رنگ و لعاب زیبای خود حجم وسیعی از افراد را به خود جذب کرده است. از همین روست که بررسی تطبیقی این دو قطب و وظایف مهم زن در همه ی سطوح از مباحث مهم مورد بررسی در این مجال گردیده است. لذا زنان به عنوان نیمی از جامعه و درصد قابل توجهی از افراد تحصیل کرده، دارای جایگاه ویژه ای در تمامی سطوح اجتماع هستند. امروزه می توان در کرسی های دانشگاهی، فعالیت های اقتصادی، شرکت های خصوصی و دولتی، جایگاه های تأثیر گذار سیاسی و از همه مهم تر خانواده، آثار حضور زنان را مشاهده کرد. از همین رو بررسی ابعاد این گروه بزرگ اجتماعی یکی از مهم ترین و در عین حال دشوارترین برررسی ها به نظر می رسد. جایگاه زن و انتظارات از او در هر جامعه متناسب با دیدگاه های انسان شناختی متفاوت است اما نگاه غالب نسبت به این مسأله نگاهی است که تمدن مادی گرای غرب سعی در بسط و گسترش آن در همه ی جوامع و فرهنگ ها دارد. در این پارادایم فکری اولویت آغازین افراد فردگرایی، لذت جویی و افزایش میزان سود فردیست. آنچه در نگاه اول نسبت به این نوع سبک زندگی و مدل فکری بدست می آید، زندگی ای سرشار از رفاهیات مادیست اما کهنه مطب امر دیگریست که در واقع اسارت افراد در خانه ای شیشه ای است مملو از پول و تنهایی. در چنین فضایی که هر کس به تنهایی مسئولیت زندگی خود را داراست زن و مرد نیز با وجود زندگی مشترک و هم خانه بودن هیچ کدام وظیفه ای نسبت به دیگری ندارند و زن موظف است شخصاً بار زندگی را به دوش بکشد و این امر اجباری است برای حضور اجتماعی زن در همه ی امور به ویژه امور اقتصادی. و این مسأله با حقوق و آزادی ای که از آن به نیکی یاد می شود به شدت مغایرت دارد، زیرا فعالیت اجتماعی و اقتصادی نباید برای زن وظیفه باشد و لازم است که این امور برای بالندگی زنان در نظر گرفته شود. و این نمود همان ظلم تاریخی است که به اسم آزادی های اقتصادی و اجتماعی به زنان تحمیل گردیده است. با گسترش فرهنگ غالب، زن امروز بر خلاف زن گذشته در جامعه ای زندگی می کند که در آن استفاده از کالاهای مدرن و تکنولوژی روز امری اساسی و غیر قابل انکار می باشد. او "مجبور" است علاوه بر وظایف خانه شامل همسررداری، تربیت فرزند و رسیدگی به امور منزل در اجتماع نیز حضور داشته باشد و در صحنه ی رقابت برای به دست آوردن مشاغل و در نتیجه درآمدزایی برای خود و خانواده فعالیت کند (<http://www.sahebnews.ir>)

زن در قرآن

زنان همان گونه که در رفع نیازهای جنسی شوهران حضور موثر و جدی دارند (اعراف، آیه ۸۱) در امور اقتصادی خانواده (قصص، ۲۳) و حتی ایجاد فضای سالم و هنجاری در جامعه از طریق عفت و حجاب و پاکدامنی نقش مهمی را ایفا می کنند (بقره، آیه ۱۸۷). بنابراین نمی توان نقش زنان را تنها در محدوده خانه و خانواده و سلامت روحی و روانی آنها منحصر کرد بلکه دامنه آن را باید حتی به سلامت و امنیت جامعه و هنجارهای اجتماعی نیز گسترش داد. از نظر قرآن، زن با حضور همراه با عفاف و حجاب در جامعه می تواند به شکوفایی و رشد اقتصادی خانواده بلکه جامعه نیز کمک کند. از این رو حضور ایشان را در جامعه و فعالیت در همه ابعاد حتی تجارت و بازرگانی یا دامداری و کشاورزی در آیاتی از جمله آیه ۳۲ سوره نساء و آیه ۲۳ سوره قصص مطرح می کند. این در حالی است که در جامعه جاهلی از حضور زنان و اشتغال و استقلال اقتصادی زنان به شدت منع می شده و زنان از ارث و استقلال اقتصادی محروم بودند.

مدیریت مصرف در خانواده

خانواده رکن اصلی جامعه است و قلب تپنده خانواده، زنان هستند. طبیعی است که با توجه به نقش انسانها در توسعه و رکن اصلی آن بحث تعلیم و تربیت و جایگاه خانواده است نقش زنان پر رنگ تر و مشخص تر می شود. تشخیص جایگاه زن در مدیریت مصرف خانواده، بیشتر از آن است که بتوان با عدد و رقم سنجیده شود؛ زیرا بسیاری از تلاشهای زنان در ابعاد مختلف قابل محاسبه نیست. زن به عنوان مدیر اقتصادی خانواده در خرید و نحوه مصرف نقش مهمی به عهده دارد. زنان با کسب آگاهی های لازم در مورد نحوه مصرف قادر خواهند بود که هزینه های یک جامعه را کنترل نمایند و باعث ارتقا سطح مدیریت بهره وری ملی شوند. که این امر از طریق بهینه سازی مصرف در خانواده حاصل می شود (برادران رضایی و شیروانی، ۱۳۸۵).

پیشرفت جامعه در گروهی پایین آوردن هزینه ها و بالا بردن تولید است و در این خصوص زنان نقش بسیار مؤثری در پایین آوردن هزینه های خانواده دارند. یک زن مسئول، تنها خود را محدود به مسائل زنانه نمی کند و با احساس مسئولیت و دلسوزی تمام، برای اجرای هر چه بهتر مسائل مختلف زندگی پا به پای مردان گام برمی دارد؛ تا همچنان به کنترل و نظارت دلسوزانه اش ادامه دهد. زنان به خاطر اینکه بیشترین خریدها را انجام می دهند، می توانند در نوع تولیدات وارد شده، مد و تعداد کالاها به بازار نیز دخالت داشته باشند (تفضلی، ۱۳۷۶). بخش عظیمی از مصرف، در خانواده هاست و ما در زندگی روزمره شاهد مصرف بی رویه مواد غذایی، بهداشت، پوشاک و انرژی بخصوص آب و برق هستیم و این نکته که این هزینه ها تا چه اندازه ضروری و حیاتی بوده و آثار آنها بر تعادل مالی خانواده به چه میزان بوده، کمک بسیاری برای مدیریت بهینه هزینه های خانواده در آینده خواهد بود. چون زنان در اقتصاد خانواده بسیار مؤثرتر از مردان عمل می کنند پس نقش بیشتری در خانواده در اصلاح الگوی مصرف دارند. زنان باید در رابطه با نحوه درست مصرف کردن توجه شوند و آموزش ببینند؛ چرا که این امر منجر به صرفه جویی در جامعه و خانواده می شود. هر اندازه دانش، آگاهی و حساسیت زنان و درک اقتصادی آنان بیشتر شود می توانند نسبت به شیوه مصرف حساس شوند.

کمک به شوهر

زن شایسته و مسلمان به کمک کار شوهر، سعی دارد موجبات رشد او را فراهم کند. اگر شوهر در مسیر تحصیل است، وسیله تحصیلش را آماده نماید. اگر شغل شوهر ایجاب می کند که در خانه بماند و مطالعه کند و یا بنویسد و حساب کند، سعی دارد در این راه به او کمک کند. اگر بی سواد است، او را به آموزشگاه رفتن تشویق می کند، اگر تحصیل کرده است، او را به ادامه فرا می خواند، اگر عالم است که او را به مطالعه و نویسندگی دعوت می کند (قائمی، ۱۳۸۹) قرآن مجید، وجود زن را مایه آرامش و سکون معرفی می کند؛ بدین گونه که هر وقت همسر، از اجتماع صدمه و آزاری می بیند با وارد شدن به خانه و یافتن آرامش آن را جبران می کند و در فراز و نشیبهای زندگی با تکیه به همسر، خود را از تنهایی می رهاند

در بسیاری از موارد زنان از ناحیه شوهر آسیب می بینند. مثلاً شوهر بیمار است یا ورشکسته، یا کسب و کار درستی که زندگی خانواده را تأمین کند ندارد، یا در جنگ شهید می شود، یا صدمه جانی و مالی می بیند و به طور کلی ناراحتی هایی که از ناحیه شوهر به زن می رسد. «خیلی از زنها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زنهایشان آنها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه های خوب، با همکاریهای خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی این طور یکدیگر را کمک می کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.» (خامنه ای، ۱۳۸۷) اکثر این ناراحتیها عمدی نیست، ولی با کمال تأسف زنی طاعت را از دست داده شروع به نامهربانی و ناسلوکی می نماید و روشن است که در این صورت نتایج شومی بر او و همسر و فرزندانش پیش خواهد آمد. زن اگر به جای نامهربانی ها کمرهمت ببندد و به شوهر کمک کند، هم به زندگی شوهر سامان بخشیده و هم به خود و فرزندانش کمک کرده و هم در پیشگاه خداوند متعال روسفید است و این موضوع می تواند پایه حل بسیاری از مشکلات خانواده شود (امینی، ۱۳۷۸). از دیگر صفات بسیار نیکوی یک زن شایسته این است که شوهرش را در برابر تمامی دنیا عوض نکند. این امر در چند حالت به اثبات می رسد: اول، در جایی که عده ای از خویشان یا آشنایان، نسبت به شوهرش بد گویی کنند، زن با کمال جسارت و جرأت قاطعانه و مؤدبانه به طرفداری از همسر قیام کرده و از شوی خود پشتیبانی نماید. دوم، رفتار و کردارش در تنگدستی و غنا یکسان باشد؛ بلکه در فقر و روبه رو شدن با مشکلات مادی، مهر و علاقه بیشتری به همسرش نشان بدهد، هیچ گاه کاسه صبرش لبریز نشود و تاب و توان از دست ندهد. سوم، اگر کوتاهی، سستی یا خطایی مشاهده کرد به هیچ وجه آن را با کسی مطرح نکند و کمبودهای خانه را به دیگران بازنگوید (مظاهری، ۱۳۹۰)

قدردانی زن از شوهر

انسان، مال را برای رفاه و آسایش خویش می خواهد و ذاتاً بدان علاقه مند است. اگر به کسی احسان کرد و مالی را که به ریشه جاننش بسته است در اختیار قرار داد، انتظار دارد قدردانی کند. اگر مورد سپاسگزاری قرار گرفت

تشویق می شود، به احسان و نیکوکاری راغب می گردد، نه تنها نسبت به این اشخاص احسان بیشتری خواهد کرد، بلکه به مطلق نیکی علاقه مند می گردد، به حدی که ممکن است کم کم به صورت یک عادت ثانوی و یک خوی طبیعی تبدیل شود و مشتاق احساس و کار خیر گردد، اما اگر قدرش را نشناختند و احسانش را نادیده گرفتند، به کار خیر بی رغبت می شود. حق شناسی و شکرگزاری از اخلاق پسندیده است و بزرگترین رمز جلب احسان می باشد؛ حتی خداوند بزرگ هم که نیازی به دیگران ندارد، سپاسگزاری از نعمتهایش را شرط ادامه نعمت شمرده، می فرماید: «اگر سپاسگزاری کنید، نعمتهایم را افزون می کنم.» (ابراهیم، آیه ۷). شوهر نیز یک بشر عادی است، از قدردانی خوشش می آید، هزینه زندگی را تأمین می کند، این عمل را یک وظیفه اخلاقی و شرعی محسوب می دارد و از انجام دادن آن لذت می برد، لیکن انتظار دارد که وجودش را مغتنم شمرده، تا از کارهایش قدردانی شود (امینی، ۱۳۸۹).

نتیجه گیری

امر آموزش از عوامل تأثیرگذار بر جایگاه مدیریتی زن در خانواده، است. آموزش می تواند تأثیر دوگانه ای داشته باشد، از یک طرف باعث مشارکت زنان در امور خانواده می شود، و از طرف دیگر مانع پذیرش فرودستی وی است. با این وجود جایگاه زن در خانواده، بیش از آنکه امری اقتصادی باشد، امری فرهنگی - اجتماعی است. زنان می توانند با ارائه راهکارهای مناسب و به موقع مسیر حرکت خانواده و اعضاء آن را در آینده تعیین نمایند؛ و از بروز مشکلات و خطرات پیش روی اعضاء جلوگیری نمایند. خانواده تنها منبع عرضه کننده نیروی کار جامعه می باشد از سویی چون خانواده مصرف کننده ی کالاها و خدمات تولید شده در جامعه است؛ می تواند با روش استفاده ی صحیح از کالاها و خدمات، میزان بهره وری را بالا برد و از هدر دادن امکانات و دستاوردها جلوگیری می کند. چنان که اگر فرهنگ قناعت و صرفه جویی از سوی خانواده ها رعایت شود؛ به سطح جامعه نیز کشیده شده و نیروی انسانی در سطوح مختلف اداری، صنعتی، کشاورزی و ... به سوی حیف و میل بیت المال و سرمایه های ملی و یا دست اندازی به اموال دیگران حرکت نخواهد کرد و این مسأله نتایج بسیار با خیر و برکتی به همراه دارد.

بنابراین مادر از ارکان اصلی تربیت و عامل مهم شکل گیری شخصیت رفتاری فرزندان است. شیوه های رفتاری فرزندان، انعکاسی از نوع تربیت مادران آنهاست؛ از این رو بسیاری از دختران و پسران رفتارهای فردی و اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی را از والدین خود می آموزند و در موقع لزوم آن را به کار می گیرند. یک مادر خوب و فهمیده که در خانه الگوی صحیحی برای مصرف داشته باشد و از مصارف غیر ضروری و مسرفانه پرهیز کند، قهراً دختری خواهد داشت که در زندگی فردی و اجتماعی آینده خود، دچار ضعف شخصیت و تقلید از دیگران نخواهد شد. اما در نقطه مقابل، مادری که بدون داشتن الگوی صحیح مصرف، به زیاده روی و ولخرجی خو گرفته است، این روش او در ساختار روحی فرزندش اثر گذاشته و قهراً او در زندگی آینده اش آن را به کار خواهد گرفت.

پیشنهادها

- پرهیز از عیب جویی نسبت به همدیگر (زن و شوهر) در طول دوران زندگی، زیرا روحیه عیب جویی مستمر در زندگی خانوادگی باعث ست شدن در بنیان آن خواهد شد.
- حفظ عفت خویش در مقابل افراد نامحرم و وفاداری کامل نسبت به همدیگر، تا از آلودگی های اخلاقی در خانواده و جامعه جلوگیری شود.
- برنامه ریزی زندگی براساس اهداف دستورات اسلام، اخلاق و منطق.
- توزیع عادلانه منابع مالی بین اعضاء خانواده.
- زن بایستی دقت داشته باشد که احترام او نسبت به شوهر یک نیاز روانی و عامل علاقه و محبت بیشتر او می باشد.
- همدلی و همراهی زن با شوهر در اداره امور زندگی به صورت های مختلف ابراز شود.
- زن برای بهبود وضع زندگی، باید روحیه ی شکرگزاری، قناعت و سپاسگزاری داشته باشد.

منابع

- قرآن کریم
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) جامعه شناسی خانواده، با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۹) آیین همسر داری، قم، ناشر: انتشارات اسلامی
- برادران رضایی، مهین و شیروانی، مینا (۱۳۸۵) وضعیت عادت غذایی دانشجویان دانشگاه‌های تبریز؛ بر اساس رفتارهای خطر زای جوانان، نهمین کنگره تغذیه ایران، تبریز
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۶) اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، تهران: نشرنی
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳) زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء
- خامنه‌ای، علی. رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۸۷) خطبه عقد، مطلع عشق
- سید قطب، تفسیر فی ظلال (۱۳۹۰) ترجمه مصطفی خرم دل
- صدر، محمد باقر (۱۳۵۰) اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی، تهران: انتشارات اسلامی
- علی قائمی (۱۳۸۹) نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انتشارات، انجمن اولیاء و مربیان
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) چشم انداز خانواده، ترجمه ی جلالی پور، محمدرضا، مجله ی آفتاب، شماره ی ۲۹، سال سوم، مهر
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۴۲) بحار الانو، مترجم محمد روحانی زمان آبادی ناشر، موسسه تحقیقات
- مجله زن روز، اسفند ۱۳۶۶، شماره ۱۱۵۸.
- محمد حسین طباطبایی (۱۴۱۷) المیزان، قم، جامعه مدرسین، ق، ج ۴،
- محمد تقی جعفری (۱۳۷۱) شرح نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- مرتضوی، ضیاء (۱۳۷۷) درآمدی بر شناخت مسایل زنان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
- مرتضی مطهری (۱۳۶۹) نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا
- مظاهری، حسین (۱۳۹۰) خانواده در اسلام، نشر شفق

- مهریزی، مهدی (۱۳۹۰) شخصیت و حقوق زن در اسلام، نشر علمی و فرهنگی

- ناصر، لیلا (۱۳۸۷) بررسی تغییر نقش زنان در خانواده و عوامل موثر بر بهبود آسیب های ناشی از آن

- [http: www.sahebnews.ir](http://www.sahebnews.ir)